

روزه و بیماری

اگر چه در آیه شریفه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا» (البقرة ۱۸۴ و ۱۸۵) موضوع سقوط وجوب روزه مریضی مریضی عنوان شده است اما متفاهم از این آیه شریفه این است که موضوع عدم وجوب روزه، عدم توانایی و قدرت بر روزه است و مریضی کنایه از عدم توانایی است و لذا اگر کسی بیمار نباشد اما توانایی روزه نداشته باشد مثلاً شخص ضعیف المزاج است روزه بر او واجب نیست همان طور که اگر کسی بیمار باشد اما توانایی روزه گرفتن دارد و روزه برای بیماری او ضرر ندارد، روزه بر او واجب است. اینکه تعبیر کنایی مریضی از عدم قدرت تعبیر کاملاً عرفی است و همان طور که در آیه شریفه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» (النساء ۴۳ و المائدة ۶) عدم وجدان تعبیر کنایی از عدم تمکن از استعمال آب است.

بنابراین مطابق فهم عرفی، موضوع سقوط وجوب روزه عدم قدرت است و اگر کسی بالفعل بیمار باشد که در اثر آن توانایی بر روزه نداشته باشد مشمول آیه شریفه است و وجوب روزه از او ساقط است، و اگر بالفعل بیمار نباشد اما خوف و ترس حدوث بیماری را داشته باشد مشمول آیه شریفه است. گفته نشود در آیه شریفه گفته شده کسی که بیمار است بر او روزه واجب نیست اما کسی که بالفعل بیمار نیست هر چند خوف مریضی داشته باشد مشمول آیه نیست چون گفتیم از نظر فهم عرفی، بیماری موضوعیت ندارد بلکه موضوع عجز و عدم قدرت است و در صدق عجز و عدم قدرت بین عدم قدرت بالفعل و بین حدوث آن به سبب روزه تفاوتی نیست. در جایی که کسی که سالم است اما اگر روزه بگیرد، بیمار می شود عرفاً صدق می کند که او توانایی روزه گرفتن ندارد و از روزه گرفتن عاجز است. همان طور که اگر بیماری کسی در اثر روزه گرفتن تشدید شود یا بیماری اش مضر شود یا بیشتر ادامه پیدا کند یا مانع علاج و درمان می شود، عنوان عجز و عدم قدرت صادق است.

بنابراین تردید برخی مثل علامه در عدم وجوب روزه برای فرد سالمی که خوف حدوث بیماری در اثر روزه را دارد به جا نیست. مرحوم علامه در منتهی فرموده اند:

«الرابع: الصحيح الذي يخشى المرض بالصيام هل يباح له الفطر؟ فيه تردّد ينشأ من وجوب الصوم بالعموم و سلامته عن معارضة المرض، و من كون المريض إنّما أبيح له الفطر لأجل الضرر به، و هو حاصل هنا؛ لأنّ الخوف من تجدد المرض في معنى الخوف من زيادته و تطاوله.» (منتهی المطلب، جلد ۹، صفحه ۲۷۵)

با آنچه گفتیم مشخص می شود که موارد خوف حدوث ضرر، مندرج در عموم آیه شریفه است علاوه که روایات دیگری در مورد خوف از حدوث مرض وجود دارد که از نظر سند و دلالت تمامند.

در هر حال اینکه ملاک عدم وجوب روزه مریضی نیست بلکه ملاک عدم قدرت بر روزه است، از روایات هم قابل استفاده است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا حَدَّ الْمَرِيضِ إِذَا نَقَهَ فِي الصَّيَامِ قَالَ ذَلِكَ إِلَيْهِ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ إِذَا قَوِيَ فَلْيَصُمْ (الكافي، جلد ۴، صفحه ۱۱۹)

مطابق این روایت معیار قدرت بر روزه است. اگر کسی بر روزه قدرت دارد باید روزه بگیرد چه اینکه مریض باشد یا نباشد و اگر کسی قدرت نداشته باشد، روزه بر او واجب نیست چه سالم باشد یا بیمار باشد یا در دوره نقاهت باشد و...

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبِيدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ مَا حَدَّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ صَاحِبِهِ فِيهِ الْإِفْطَارُ كَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِي السَّفَرِ مَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ قَالَ هُوَ مُؤْتَمَنٌ عَلَيْهِ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَلْيُفْطِرْ وَإِنْ وَجَدَ قُوَّةً فَلْيَصُمْهُ كَانَ الْمَرَضُ مَا كَانَ (الكافي، جلد ۴، صفحه ۱۱۸)

در این روایت هم معیار ضعف و ناتوانی بیان شده است در مقابل قدرت و توانایی بر روزه.

این روایات در حقیقت تفسیر همان آیه شریفه است نه اینکه معیاری زائد بر آیه شریفه بیان کند.

رَوَى ابْنُ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مَا حَدَّ الْمَرَضِ الَّذِي يُفْطَرُ فِيهِ الصَّائِمُ وَ يَدْعُ الصَّلَاةَ مِنْ قِيَامٍ فَقَالَ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يُطِيقُهُ (من لايحضره الفقيه، جلد ۲، صفحه ۱۳۲)

خلاصه اینکه این روایات به روشنی بر این دلالت می‌کنند که بیماری و مرض معیار نیست بلکه معیار عدم قدرت و توانایی است. و اگر موضوع آیه عدم قدرت عرفی است، در موارد حدوث بیماری یا تشدید آن یا مضر شدن آن یا ادامه پیدا کردن آن و ... قدرت صدق نمی‌کند و لذا روزه واجب نیست و نیازی به صدق عنوان حرج نیست.

بحث دیگر این بود که معیار در جواز افطار علم به ضرر است یا ظن به آن و یا حتی احتمال هم برای افطار کافی است؟ گفتیم در این موارد شارع احتمال را به عنوان طریق بر تنجیز محتمل قرار داده است. طریقت علم روشن است و لذا اگر کسی علم داشته باشد که به واسطه روزه بیمار می‌شود یا بیماری‌اش تشدید می‌شود و جوب روزه از او ساقط است هم چنان که اگر کسی علم نداشته باشد اما ظن و گمان به حدوث یا تشدید بیماری داشته باشد و جوب روزه از او ساقط است و در آن اجماع هم ادعا شده است و تفاوتی هم ندارد این ظن و گمان ناشی از تجربه باشد یا قول خبره یا هر اماره ظنی دیگر.

طبق بیان ما دلیل اکتفاء به ظن این است که معیار عدم قدرت بود و با وجود ظن و گمان به حدوث یا تشدید بیماری، قدرت و توانایی صدق نمی‌کند چون قدرت عرفی به این است که فرد از ضرر مامون باشد و جایی که فرد از ضرر مامون نباشد بلکه مظنون الضرر باشد، قدرت صدق نمی‌کند. منظور از قدرت عرفی یعنی آنچه عقلاء در امور خودشان بر فعل اقدام می‌کنند یا نه؟ و همان طور که عقلاء در موارد علم به ضرر بر فعل اقدام نمی‌کنند در موارد ظن به ضرر هم اقدام نمی‌کنند و لذا قدرت عرفی وجود ندارد.

بلکه به نظر می‌رسد حتی ظن هم لازم نیست و اگر ضرر محتمل هم باشد (احتمال قابل توجه) قدرت صدق نمی‌کند. علاوه که در موارد ظن یا احتمال عقلایی، عنوان خوف صادق است و خوف ضرر و بیماری نیز مسقط وجوب روزه است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الصَّائِمُ إِذَا خَافَ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الرَّمَدِ أَفْطَرَ (الكافي، جلد ۴، صفحه ۱۱۸)

بنابراین هم به بیان صدق عجز و عدم قدرت و هم به بیان صدق خوف ضرر و بیماری در موارد ظن به حدوث یا تشدید بیماری یا احتمال عقلایی به حدوث یا تشدید آن، روزه واجب نخواهد بود.

توجه به این نکته لازم است که مراد از احتمال موجب سقوط وجوب روزه، هر ظن یا احتمال شخصی حتی بدون فحص نیست بلکه احتمالی موجب سقوط روزه است که بعد از فحص و سوال از اهل خبره و افراد مطلع باقی و مستقر باشد. چنین احتمالی منجز است و ترتیب آثار بیماری لازم است اما احتمال بدون فحص و بررسی که فرد احتمال می‌دهد با فحص زائل شود، مجوز روزه نگرفتن و سقوط وجوب روزه نیست.

پس صرف احتمال مراد نیست بلکه مراد احتمال مستقر و احتمال بعد از فحص است.

چراپی این مطلب هم روشن است. عدم وجوب روزه یا به ملاک عجز و عدم قدرت است یا به ملاک صدق خوف و یا به ملاک صدق حرج.

در مورد عجز و ناتوانی صرف احتمال عدم قدرت کافی نیست بلکه در قدرت فحص لازم است و لذا در تمام تکالیف با اینکه قدرت شرط تکلیف است و شک در قدرت، شبهه مصداقیه و موضوعیه تکلیف است اما در موارد احتمال عجز، فحص از قدرت لازم است و به صرف احتمال عجز، تکلیف ساقط نیست و معروف بین محققین همین است و بنای عقلاء هم بر لزوم فحص از قدرت است. پس به صرف احتمال عجز و عدم قدرت روزه ساقط نیست بلکه باید فحص کند و اگر احتمال مستقر شد و احتمال قابل توجه عقلایی باشد، عجز و عدم قدرت صدق می‌کند و وجوب روزه ساقط است. اما اگر با فحص در کلمات اهل خبره، احتمال عقلایی زائل شود، روزه واجب است و این نه به ملاک حجیت تعبیدی قول اهل خبره بلکه به ملاک زوال احتمال عقلایی و عدم صدق عجز و ناتوانی است.

بله اگر بین اهل خبره تعارض مستقری باشد، احتمال بیماری یا تشدید آن همچنان باقی است و احتمال مستقر خواهد بود در نتیجه عدم عجز صدق می‌کند و وجوب روزه ساقط است.

در مورد خوف هم گفتیم که صدق خوف متوقف بر عقلایی بودن احتمال است و گونه اصلا خوف صدق نمی‌کند. معیار در صدق خوف این است که احتمال به گونه‌ای باشد که در شئون و امور عادی عقلاء (نه وظایف شرعی) تاثیر گذار باشد و عقلاء به آن توجه کنند. پس اگر احتمال طوری باشد که عقلاء در زندگی مادی خودشان به آن احتمال توجه کنند و بر آن ترتیب اثر بدهند، خوف صدق می‌کند. مثلا اگر احتمال به حدی باشد که عقلاء امور عادی مثل کسب و کارشان را تعطیل کنند و از آن احتراز کنند، در مورد وظیفه

شرعی هم رعایت آن احتمال لازم است اما اگر در امور عادی خودشان به آن احتمال ترتیب اثر نمی‌دهند صرف اینکه شاید در اثر انجام وظیفه شرعی بیماری حادث شود موجب سقوط تکلیف نیست.

اما در مورد حرج، گفتیم حرج باید احراز شود و به صرف احتمال حرج و بیماری، تکلیف ساقط نیست چون اصل عدم حرج است (هرچند اصل عدم ازلی باشد). پس تا حرج احراز نشود وجوب روزه ساقط نیست و امکان زوال احتمال با فحص، موجب عدم صدق حرج خواهد بود. و برای نفی اسناد حرج به شارع، نفی وجوب صوم تنها در صورتی که در با فحص احتمال بیماری و حرج وجود داشته باشد، کافی است.

نتیجه اینکه احتمالاتی که مانعی در امور عادی و زندگی روزمره مردم ایجاد نمی‌کند و با وجود آنها مردم هم چنان به امور عادی خودشان مشغولند، نباید بهانه ترک وظایف شرعی قرار گیرد. این احتمالات و سواستند و نباید مورد توجه قرار گیرند یا از این جهت که حتی در نزد محتمل هم احتمالات ضعیفی هستند که در این صورت اصلاً خوف صدق نمی‌کند تا مسقط وجوب روزه باشد و یا از این جهت که هر چند برای محتمل قابل توجه است اما ناشی از مناشئ صحیح عقلایی نیست. یعنی از نظر عقلاء آن مناشئ را برای ایجاد این مقدار احتمال صالح نمی‌دانند. لذا اگر یک پزشک در رابطه با تاثیر روزه در حدوث یا تشدید بیماری و خطر آن هشدار بدهد اما در مقابل عده‌ای دیگری از پزشکان و خبرگان احتمال را به جا ندانند مانع وجوب روزه نخواهد بود. در این موارد اگر چه ممکن است خوف شخصی صدق کند اما در سقوط وجوب روزه مخوف بودن امر در نزد عقلاء لازم است یعنی باید منشأ خوف از نظر عقلاء هم مخوف باشد. به عبارت دیگر خوف منصرف به آن چیزی است که برای عقلاء مخوف باشد.

نکته دیگر که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که در مواردی که ضرر قابل جبران است یعنی ضرر به گونه‌ای باشد که بتوان جلوی آن را گرفت و با رعایت اموری بتوان جلوی حدوث یا تشدید بیماری را گرفت، موضوع منتفی است و ضرر و عجز و ناتوانی و حرج و خوف صدق نمی‌کند. بنابراین اگر مثلاً برای جلوگیری از بیماری مرطوب بودن حلق و دهان لازم باشد، چنانچه می‌توان با اموری این رطوبت را تامین کرد و روزه گرفت، وجوب روزه ساقط نیست. مثلاً در مورد همین بیماری کرونا (اگر فرضاً مرطوب بودن گلو و دهان در جلوگیری از آن موثر باشد) این رطوبت را به چند طریق می‌توان تامین کرد از جمله:

خوردن و آشامیدن به مقدار لازم در فرصت اذان مغرب تا اذان صبح و تقویت عمومی بدن

اجتناب از حرکات سنگین و سخت که به از دست رفتن آب بدن یا طرو ضعف شدید منجر می‌شود حتی اگر مستلزم ترک کار و فعالیت در طول روز باشد.

جویدن مثل آدامس که ایجاد بزاق و رطوبت کند و البته مزه نداشته باشد و یا اجزاء قابل توجهی از آن جدا نشود و بلع شود تا افطار محسوب شود.

مضمضه و حتی قرقره و استنشاق، قرار گرفتن در هوای مرطوب (حتی اگر رطوبت مصنوعی باشد) چه سرد و گرم یا رقیق یا غلیظ، معطر یا بدون عطر و...

این امور به صورت عادی و اختیاری هم موجب بطلان روزه نیستند چه برسد به جایی که انجام آنها برای روزه گرفتن و دفع احتمال بیماری لازم باشد.

و تشکیک در بطلان روزه با بخور نابجا است چون آنچه ممنوع است خوردن و آشامیدن یا غبار غلیظ است و بخور حتما مندرج در این عناوین نیست و لذا قرار گرفتن در حمام و استنشاق بخار حمام مبطل روزه نیست.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به تصریح عده‌ای از اهل خبره و پزشکان چه مسلمان و چه غیر مسلمان در عدم تاثیر روزه در حدوث یا تشدید بیماری کرونا به صرف احتمال حدوث یا تشدید بیماری در اثر روزه، نمی‌توان روزه را ترک کرد. علاوه بر تاکیدات بسیاری از پزشکان در فواید روزه حتی در تقویت سیستم ایمنی بدن و جلوگیری از امراض و...

بله ممکن است کسانی استثناء باشند مثل کسانی که ضعف ایمنی دارند یا بالفعل به بیماری مبتلا هستند و...

در جلسه‌ای در روز گذشته که تعداد زیادی از پزشکان متخصص و فوق تخصص مرتبط با این امر حضور داشتند هیچ احتمال عقلایی در مورد احتمال تاثیر روزه در حدوث این بیماری یا تشدید آن وجود نداشت و اگر چه برخی از آنان مرطوب بودن حلق و دهان را برای کاهش احتمال ابتلاء به بیماری موثر می‌دانستند اما خودشان هم قبول داشتند که این مقدار از رطوبت می‌تواند در عین روزه بودن تامین شود به همان مواردی که مثال زدیم و این طور نیست که روزه گرفتن در کنار آن ممکن نباشد.

نتیجه اینکه به نظر می‌رسد در این شرایط به حسب آنچه از کلمات اهل خبره استفاده می‌شود مانعی از انجام این وظیفه الهی نیست و امیدواریم خداوند به برکت ماه مبارک رمضان و انجام تکلیف و روزه گرفتن عباد برای تحصیل رضای او، همه را از بلا مصون بدارد و این بلا را از همه عالم دفع کند.